

سؤال می‌برد. شکست مذاکرات اقلیمی بین‌المللی در کپنهاگ در سال ۲۰۰۹ بیهودگی ادامه دادن این دوگانگی را آشکار کرد. هم‌چنین به‌طور مشخص شکاف فزاینده‌ی بین کشورهای پیوست الف و کشورهای درحال توسعه درحال‌ظهور را نیز آشکار می‌کرد. (Mbeva & Pauw, 2016, p. 3)

پروتکل کیوتو تصریح می‌کرد که تعهدات انتشاراتی کمی کشورهای صنعتی، از نظر قانونی الزام‌آور است. اگر انتشارات کشوری از اهدافش برای دوره‌ی ۲۰۰۸-۲۰۱۲ تجاوز کند، ملزم به جبران خواهند بود و باید در دوره‌ی دوم اجرا آن میزان اضافی را به همراه ۳۰ درصد جریمه جبران کنند. این پروتکل همانند غالب پیمان‌های بین‌المللی شامل بندی برای کشوری که بخواهد از آن خارج گردد، می‌شد؛ کشورها به‌سادگی می‌توانستند اعلام کنند که چنین قصدی دارند و سپس یک سال پس از اطلاع دادن، از آن خارج می‌شدند. (Adly & Stavins, 2007, p. 9)

در آغاز ساختار ضمیمه‌ای کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل هرگز به‌طور کامل، اصل مسئولیت مشترک ولی متفاوت را منعکس نکرد و هم‌زمان که اقتصاد جهانی تغییر شکل می‌داد، این مسئله به‌طور فزاینده‌ای از واقعیت فاصله می‌گرفت. کشورهایی که با سرعت، توسعه پیدا کرده بودند و جزء ثروت‌مندترین کشورهای جهان قرار گرفته بودند؛ کشورهایی چون سنگاپور و قطر، هنوز در زمره‌ی کشورهای درحال توسعه قرار می‌گرفتند. (Bodansky, 2016, p. 15)

پروتکل کیوتو یک توافق «بالا به پایین»^۲ در مورد تغییرات اقلیمی بود که ثابت کرد در روش کاهش نشر گازهای گل‌خانه‌ای بسیار متصلب است. برای کاهش گازهای گل‌خانه‌ای، کنفرانس کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل جهان را به دو دسته «کشورهای پیوست یک»^۳ یا «کشورهای توسعه‌یافته»^۴ و «کشورهای درحال توسعه»^۵ تقسیم کرد. از نظر قانونی فقط کشورهای پیوست یک را با

1. Non Annex I

2. top down

3. Annex I countries

4. Developed countries

5. Developing countries